

بررسی رابطه رضایت از زندگی زناشویی با موفقیت‌های آموزشی فرزندان

دکتر سوادبه جولاپی،^۱ ناصر بمرانی^۲

شهزاد پاشایی‌پور،^۳ شهزاد دیباییان^۴

چکیده

خانواده نقشی بسیار مهم در تعلیم و تربیت کودکان بر عهده دارد. ایجاد روابط عاطفی سالم در بین اولیاء و میان آنان با فرزندان، موجب ساخته شدن شخصیتی سالم و کامل برای فرزندان و یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط بین رضایت از زندگی زناشویی زنان با موفقیت‌های آموزشی فرزندان آنها (به روش میدانی) در شهر تهران انجام گرفته است. جامعه آماری آن را مادران دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان شهر تهران تشکیل داده‌اند و تعداد نمونه تحقیق ۴۶۲ نفر است. برای گردآوری داده‌ها از مقیاس جامع رضایت از زندگی بلوم و محرابیان استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اکثر مادران رضایتی اندک از زندگی زناشویی خود دارند و فقط

^۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۲ - عضو هیئت علمی دانشگاه شهید ستاری

^۳ - کارشناس ارشد پرستاری بهداشت جامعه

^۴ - کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی

عده‌ای محدود از آنان در رضایت از زندگی زناشویی، نمره بالا دریافت کردند. همچنین بیشترین درصد معدل خیلی ضعیف دانش‌آموزان به مادرانی مربوط است که نمره رضایت آنان از زندگی متوسط است و بیشترین درصد معدل خیلی خوب دانش‌آموزان به مادرانی مربوط است که در رضایت از زندگی دارای نمره بالا هستند. استفاده از آزمون کای اسکوار نشان داد که بین متغیرهایی نظیر تحصیلات پدر، همکاری همسر در درس فرزند و درآمد ماهیانه خانواده و رضایت زنان از زندگی زناشویی ارتباط معنادار آماری وجود داشت. پژوهشگر بر اساس یافته‌های این تحقیق که بانایج بسیاری از تحقیقات دیگر نیز هم‌جهت است - پیشنهاد می‌کند که تأکید آموزش و پرورش بر برنامه‌های آموزش خانواده، مشاوره خانواده، تشکیل کارگاه‌های آموزشی بهداشت روانی برای معلمان و مدیران و همچنین آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان به عنوان آینده‌سازان کشور و تأمین شرایط بهتر برای شکوفایی استعدادهای آنان در ابعاد گوناگون بیشتر باشد.

کلیدواژه‌ها: رضایت از زندگی زناشویی، موفقیت آموزشی، دانش‌آموزان، خانواده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

در زمینه تعلیم و تربیت کودکان، نقشی بسیار مهم بر عهده خانواده است. وجود روابط عاطفی سالم در بین اولیاء و میان آنان با فرزندان، موجب ایجاد شخصیتی سالم و کامل در فرزندان می‌گردد. چنانچه روابط والدین با همدیگر یا با کودک مناسب و سالم نباشد، نارسایی‌های فراوان در اوضاع روانی، جسمی و اجتماعی کودکان ایجاد می‌گردد. از سوی دیگر باید توجه کرد که موفقیت یا عدم موفقیت کودکان نیز بر روابط خانوادگی - از نظر روابط والدین با وی یا با یکدیگر - تأثیرگذار خواهد بود؛ چون بسیاری از اختلافات والدین بازتاب وضعیت تحصیلی و اخلاقی فرزندان است. بدین ترتیب این دو عامل مرتباً بر یکدیگر تأثیر گذارده، از هم تأثیر می‌پذیرند. رضایت از زندگی زناشویی به ایجاد محیط عاطفی سالم و مناسب برای رشد و نمو فرزندان منجر می‌گردد و رشد، شکوفایی و موفقیت فرزندان این رضایت را استحکام و تداوم خواهد بخشید. به هر حال باید توجه داشت که اُفت تحصیلی دانش‌آموزان از جمله مشکلاتی است که در تمام دنیا با اشکال گوناگون شیوع دارد و عوامل مؤثر بر آن از مفاهیم بسیار مهم و مورد توجه مسئولان آموزش و پرورش در هر جامعه است.

در ایران بر اساس نتایج تحقیقات، بیشترین عوامل مؤثر بر افت تحصیلی یا کاهش موفقیت در تحصیل، مسائل آموزشی و مشکلات خانوادگی بوده است (سیدنژاد، ۱۳۸۰). محمدی‌نیا (۱۳۷۷) به نقل از اسماعیلی عوامل مؤثر بر وضعیت تحصیلی را به چهار گروه فردی، خانوادگی، آموزشی و اجتماعی تقسیم کرده و معتقد است که خانواده و کیفیت مناسبات افراد آن یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. عدم یگانگی یا سستی ارتباط بین افراد خانواده - به‌رغم آنکه ممکن است بارز نباشد و والدین سعی در کتمان آن داشته باشند - بر کودک تأثیری مخرب داشته، احساس ایمنی را که برای رشد

و شکوفایی طبیعی وی ضروری است، مختل می‌سازد. عدم سازش پدر و مادر از مهم‌ترین علل این تزلزل عاطفی شناخته شده است. وجود اختلافات خانوادگی، جدایی والدین یا فقدان یکی از آنها و وجود اعتیاد در خانواده، شرایط امنیت روانی را در خانه به شدت کاهش داده، با مسائل آموزشی و پرورشی دانش‌آموز و افت تحصیلی او رابطه‌ای بسیار نزدیک دارد. بی‌سوادی والدین هم از دیگر عوامل تأثیرگذار بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان است.

بسیاری از متخصصان مسائل رشد و روانشناسی بالینی کودک مشکلات روانی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی کودکان و نوجوانان را انعکاسی از مشکلات والدین یا شیوه ارتباطی آنان می‌دانند. از سوی دیگر وجود روابط نامناسب در میان والدین، منشأ ارتباط نامناسب آنها با فرزندان است. به عقیده امری^۱ (۱۹۸۲) نارضایتی‌های زناشویی، تعارض‌های موجود در بین والدین را به عنوان سرمنشأ آشکار از کاربرد راه‌های غیرمحببت‌آمیز خصمانه و پرخاشگرانه در محیط خانه، مدرسه و اجتماع در برابر فرزندان قرار می‌دهد. به این ترتیب با توجه به تأثیر مستقیم و غیرمستقیم روابط زناشویی بر وضعیت فرزندان، شناسایی و تعیین عللی که به بهبود روابط زناشویی منجر می‌شود، در پیشگیری از مشکلات فرزندان نقشی مؤثر خواهد داشت و در کنار تشخیص دیگر عوامل مؤثر بر وضعیت آموزشی دانش‌آموزان در کشف و شکوفایی استعداد‌های آنان، تلاش برای پیشبرد آموزش و پرورش، ساختن آینده‌ای مطمئن برای کشور و گام برداشتن در جهت دستیابی به توسعه پایدار در جامعه کمکی شایسته خواهد بود.

چارچوب نظری:

چارچوب نظری این پژوهش بر اساس مفاهیم رضایت از زندگی زناشویی و موفقیت‌های آموزشی دانش‌آموزان استوار است. در زمینه خانواده و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم آن، تئوری‌های گوناگون وجود دارد. جامعه‌شناسان، روانشناسان و اقتصاددانان هر یک از دیدگاهی متفاوت به خانواده نگریسته و از زاویه دید خود برای تبیین روابط و شکل‌گیری خانواده تئوری‌هایی ارائه داده‌اند.

ال‌دی و جی. اسکانزونی^۱ در کتاب «مردان، زنان و تغییر: جامعه‌شناسی ازدواج و خانواده» تئوری‌های گوناگونی در این زمینه مطرح کرده‌اند. یکی از این نظریه‌ها تئوری مارکسیسم^۲ است که جامعه را به دو طبقه متضاد تقسیم می‌کند. بر اساس این دیدگاه، خانواده در جوامع سرمایه‌داری شکل کوچک‌شده از جامعه است؛ به این ترتیب که مردان در خانواده، مشابه طبقه قانونگذار در جامعه فرض می‌شوند و طبقه دیگر یعنی زنان را تحت فشار و استعمار قرار می‌دهند. در تئوری آنها عوامل اقتصادی، نقش اساسی را در روابط خانوادگی ایفا می‌کند و زنان برای رهایی از این ستم باید بتوانند خود از نظر اقتصادی مولد باشند. از سوی دیگر معتقدین به چارچوب تبادل اجتماعی^۳ بیشتر به تعاملات بین افراد تمرکز دارند. به این ترتیب تعریف خانواده به وسیله تعاملات بین اعضاء شکل می‌گیرد. همان‌گونه که پیش‌بینی یک مبادله سودمند می‌تواند افراد را به سمت یکدیگر جذب کند، احساس زیان نیز در این مبادله عملکرد معکوس خواهد داشت.

رابرت پولاک^۴ در مورد خانواده تئوری دیگری ارائه کرده است؛ رویکرد ارزش معامله^۱ وی، نقش مؤسسات را در تعاملات درازمدت مورد تجزیه و تحلیل قرار

1- Scanzoni L.D & Scanzoni J.

2- Marxism

3- Social exchange framework

4- Robert Pollak

می‌دهد. این رویکرد خانواده را به عنوان ساختاری مشابه دولت در نظر گرفته است که ساختار داخلی‌اش، کارایی آن را در کسب منافع اقتصادی و توزیع این عوامل در خانواده تعیین می‌کند. ساختار داخلی خانواده نیاز به داد و ستد را در بین اعضاء آشکار می‌کند. از نظر پولاک ممکن است تمایلات گوناگون همسران به تضاد منجر شود؛ ولی آنان این تضادها را با چانه‌زنی و معامله برطرف می‌کنند؛ یعنی گاهی امتیازاتی می‌دهند تا به ازاء آن، امتیازاتی دیگر دریافت کنند.

نورمن اکرم^۲ تئوری سیستم‌های خانواده را ارائه کرده است. این تئوری بر اساس علیت چرخشی طراحی شده و تلاش دارد که جایگزین تئوری‌های خطی خانواده شود. اکرم خانواده را به عنوان سیستم هرمی در نظر می‌گیرد و برای سلامت خانواده، معیارهایی ارائه می‌دهد. از نظر وی خانواده‌ای سالم است که بین مسئولیت‌های اعضاء آن و تعاملات آنها تعادل وجود داشته باشد.

شاید بتوان گفت که گری بکر شناخته‌شده‌ترین اقتصاددان نئوکلاسیست^۳ است که در مورد خانواده مطالعه کرده است. وی تئوری خود را در چارچوب پیمان‌نامه خانواده ارائه کرده و سعی داشته تا توضیح دهد که ازدواج تحت چه شرایطی صورت می‌گیرد و تداوم می‌یابد. نتایج حاصل از فعالیت‌های پژوهشی او حاکی از آن است که ازدواج دو نفر فقط در صورتی تحقق می‌پذیرد که هر دو توقع داشته باشند که بهترین انتخاب خود را از بین گزینه‌های گوناگون انجام داده‌اند. فقط در صورت تداوم این احساس - که تحت تأثیر عوامل گوناگون همچون مسائل اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی و فرهنگی قرار دارد - رضایت از زندگی زناشویی حاصل می‌شود.

1- Transaction cost approach

2- Norman Ackerman

3- New classist

اینکه چگونه بتوان یک خانواده را موفق نامید، در واقع به میزان رضایت همهٔ اعضاء آن خانواده از زندگی با یکدیگر بستگی دارد؛ اما یکی از مهم‌ترین معیارها در این زمینه، رضایت همسران از زندگی زناشویی است. عوامل مختلفی برای رسیدن به رضایت در زندگی زناشویی مؤثرند. بر اساس تحقیقات نیومن^۱ (۱۹۹۱) بعضی از این عوامل عبارتند از: سطح بالای تحصیلات، موقعیت برجستهٔ اقتصادی و اجتماعی، شباهت در علایق، هوش و شخصیت زوجین، قرار داشتن در مرحلهٔ اولیه و انتهای چرخهٔ زندگی، هماهنگی جنسی و (برای زنان) تأخیر در ازدواج. البته ساز و کارهای دقیق این عوامل کاملاً شناخته شده‌اند. تحصیلات و موقعیت برتر اقتصادی و اجتماعی به این سبب به رضایت بیشتر زناشویی منجر می‌گردد که افراد حائز این موقعیتها احتمالاً در حل مشکلات دارای مهارتهای بهتر هستند و استرسهای مزمن (مانند زندگی در محیط شلوغ) در آنها کمتر بوده است.

اعتقاد عمومی بر این است که افراد جذب ضد خود می‌شوند؛ اما تحقیقات نشان می‌دهد که شباهت بیشتر با رضایت بالاتر زناشویی دارای ضریب همبستگی مثبت است؛ زیرا افراد با فرد مشابه خود، بیشتر احساس صمیمیت دارند و بهتر می‌توانند با یکدیگر همدردی کرده، در پی علایق مشترکشان باشند. رضایت زناشویی در طول سالهای فرزندپروری کاهش می‌یابد و بیشترین میزان آن متعلق به قبل از تولد فرزندان و پس از ترک آنان است. علت بالاتر بودن میزان رضایت زناشویی در قبل از تولد فرزندان و بعد از ترک آنان، آن است که زوجین در این دو دوره وقت و انرژی بیشتری صرف یکدیگر می‌کنند و کمتر موقعیتهای درگیری‌زا همانند رسیدگی به امور فرزندان برای ایشان پیش می‌آید. همچنین در اغلب مطالعات زمینه‌یابی، تفاوت‌های گسترده در زمینهٔ فراوانی میزان فعالیت‌های جنسی مطرح

^۱ - Newmen

شده است؛ اما همگی بر هماهنگی جنسی و ارتباط آن با رضایت زناشویی تأکید کرده‌اند. (موسوی، ۱۳۸۲: ۳۴).

در مروری بر متون گوناگون به عوامل متعددی در زمینه رضایت از زندگی زناشویی اشاره شده است که در یک جمع‌بندی کلی می‌توان به مواردی همچون تفکر و شناخت، مهارت‌های ارتباطی، مسائل مالی و اقتصادی، اوقات فراغت، رابطه جنسی، دخالت خویشان و بستگان، اعتقادات مذهبی، تغییرات اجتماعی، ابراز عشق و محبت، خصوصیات شخصیتی و مسائل مربوط به فرزندان اشاره کرد. رضایت از زندگی زناشویی می‌تواند بر توانایی زن و شوهر در برقراری روابط رضایتمندانه با فرزندان و انجام وظایف والدین در ارتباط با آنان تأثیر بگذارد؛ همچنان که موفقیت‌های فرزندان در تحکیم این روابط نقش دارد.

تعریف رضایت از زندگی زناشویی: در توضیح رضایت از زندگی زناشویی تعاریف متعدد وجود دارد؛ همچنان که به اعتقاد الیس^۱ (۱۹۸۹) یکی از بهترین تعاریف عبارت است از اینکه زن و شوهر در مجموع از تمام روابط دوطرفه خود احساس عینی رضایت و لذت داشته باشند. به این ترتیب رضایت از زندگی زناشویی در واقع نگرش مثبت و لذت‌بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف زناشویی خود دارند. همچنین عوامل مختلف نیز برای رسیدن به رضایت در زندگی زناشویی مؤثرند.

در این پژوهش رضایت از زندگی زناشویی عبارت است از نمره‌های کسب شده از پرسشنامه استاندارد (CMSS) تعدیل شده «مقیاس جامع رضایت از زندگی زناشویی» بلوم و محرابیان^۲ (۱۹۹۹) که مادران دانش‌آموزان به آن پاسخ می‌دهند.

^۱ - Ellis

^۲ - Blum & Mehrabian

بسیاری از پژوهش‌ها بیانگر این نکته است که سطح تحصیل والدین و به‌ویژه مادران در موفقیت تحصیلی فرزندان آنها بسیار اهمیت دارد؛ همچنین مسائل مختلف خانوادگی همچون ارتباطات عاطفی و مسائل اقتصادی نیز ممکن است بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بگذارند. دپارتمان خدمات حمایتی^۱ ایالت اورگان امریکا عوامل مؤثر بر حضور فعال دانش‌آموزان در مدرسه را به چند دسته امور مربوط به خانواده، مدرسه، محیط و خود دانش‌آموزان^۱ تقسیم کرده و نوشته است: «چنانچه هر یک از این عوامل به نوعی وضعیت کودک را تحت فشار قرار دهد، حضور غیرفعال یا گریز از مسئولیت درسی و سپس فرار از مدرسه پیش می‌آید.» (ص ۹-۱)

موفقیت آموزشی: موفقیت آموزشی در بسیاری از متون، مترادف با پیشرفت تحصیلی و به معنی بازده‌های یادگیری دانش‌آموزان محسوب شده است و معلمان برای ارزشیابی آن بر اساس امتحاناتی که طرح می‌کنند، به هر دانش‌آموز نمره‌هایی اختصاص می‌دهند. در این پژوهش نیز منظور از موفقیت آموزشی دارا بودن معدل بالاتر از هجده در پایان سال قبل برای دانش‌آموزان دبستانی، بالاتر از هفده برای دانش‌آموزان راهنمایی و بالاتر از شانزده برای دانش‌آموزان دبیرستانی است. عدم استفاده از شاخص‌های دیگر همچون مشارکت در فعالیت‌های تحصیلی فوق برنامه مانند المپیادها یا دیگر مسابقات منطقه‌ای به علت یکسان نبودن شرایط در تمام مناطق و برای تمام دانش‌آموزان بوده است.

روش: این بررسی از نوع میدانی است و با هدف کلی تعیین ارتباط رضایت زنان از زندگی زناشویی با موفقیت‌های آموزشی فرزندان آنان در شهر تهران انجام یافته است. اهداف ویژه بررسی عبارت است از:

^۱ - Department of support services

- تعیین وضعیت رضایت مادران دانش‌آموزان شهر تهران از زندگی زناشویی
- تعیین وضعیت آموزشی دانش‌آموزان شهر تهران
- تعیین ارتباط برخی از متغیرهای دموگرافیک^۱ زنان با وضعیت آموزشی فرزندان آنها
- تعیین ارتباط برخی از متغیرهای دموگرافیک با رضایت زنان از زندگی زناشویی

جامعه آماری پژوهش را مادران دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مناطق مختلف شهر تهران تشکیل داده‌اند و نمونه‌های آماری از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده است. مراحل اجرای نمونه‌گیری به این ترتیب بوده است که نخست مناطق شهرداری تهران بر روی نقشه به سه ناحیه شمال، مرکز و جنوب تقسیم گشته و از هر ناحیه بر حسب تعداد مناطق آموزش و پرورش در آن، دو تا چهار منطقه به صورت تصادفی (با قرعه‌کشی) انتخاب شده‌اند. ناحیه شمال (شامل مناطق یک، سه، چهار و نیمه شمالی منطقه دو) مرکز (شامل مناطق پنج، شش، هفت، هشت و نیمه جنوبی منطقه دو) و جنوب (شامل مناطق نه تا نوزده) بوده است. به این ترتیب به طور تصادفی از ناحیه شمال، مناطق سه و چهار و از ناحیه جنوب، مناطق نه، دوازده و پانزده و از ناحیه مرکز، مناطق پنج، هفت، هشت و نه انتخاب شدند. در مرحله بعد با توجه به تعداد دانش‌آموزان هریک از مناطق انتخابی به نسبت کل تعداد دانش‌آموزان، تعداد مشخصی نمونه در هر منطقه تعیین گردید. تعداد کل دانش‌آموزان مناطق انتخابی ۷۶۱۹۵۲ نفر بوده است (جمع دانش‌آموزان هشت منطقه انتخابی) که تعداد ۶۰۰ نمونه برای بررسی تعیین گردید. برای بالا بردن میزان اطمینان این

^۱- demographic

تعداد به هزار نفر افزایش یافت. سپس تعداد مدارس هر منطقه انتخابی را مشخص کرده، بر حسب آن، تعدادی از مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان (دخترانه و پسرانه) به صورت تصادفی انتخاب گشت. از هر مدرسه انتخابی نیز بر حسب تعداد دانش‌آموزان به طور تصادفی دانش‌آموزانی برگزیده شدند که مادران آنها واحدهای مورد نظر در این پژوهش را تشکیل می‌دهند. باید توجه داشت که پس از طی کلیه مراحل نمونه‌گیری، مجموعاً سی و چهار مدرسه برای گردآوری اطلاعات انتخاب شده‌اند.

ابزار گردآوری داده‌ها «مقیاس جامع رضایت از زندگی زناشویی» بلوم و محرابیان (۱۹۹۹) بوده است که روایی آن با استفاده از روایی محتوا و پایایی آن با استفاده از آزمون مجدد و اندازه‌گیری ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفته است. این پرسشنامه شامل بخش مشخصات دموگرافیک و بخش عبارات مربوط به ابعاد مختلف رضایت از زندگی زناشویی است که پاسخ‌هایی از «کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» را شامل می‌شود. واحدها بر اساس نمره‌های کسب شده به سه گروه «دارای رضایت کامل از زندگی زناشویی»، «دارای رضایت متوسط از زندگی زناشویی» و «ناراضی از زندگی زناشویی» تقسیم می‌شوند. تعیین نمره‌های رضایت از زندگی زناشویی به این صورت بود که اگر فردی تمام گزینه‌ها را درست انتخاب می‌کرد، از کل پرسشنامه ۱۴۰ امتیاز کسب می‌کرد. با توجه به میانگین نمره‌های کسب شده، نمره‌های کمتر از میانگین به صورت رضایت کم، فاصله بین میانگین و یک انحراف معیار به صورت رضایت متوسط و بالا تراز آن، رضایت زیاد از زندگی زناشویی تعریف شده است.

تقسیم‌بندی نمره‌های معدل دانش‌آموزان بر حسب پراکندگی نمره‌ها به این صورت بوده است که معدل نوزده تا بیست به عنوان بسیار خوب، هفده تا نوزده خوب، پانزده تا هفده متوسط، سیزده تا پانزده ضعیف و معدل سیزده و کمتر از

آن به عنوان بسیار ضعیف تقسیم بندی شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها با همکاری مسئولان مدرسه تعداد مورد نظر از بین دانش‌آموزانی که دارای مشخصات واحدهای مورد پژوهش بودند، به طور تصادفی برگزیده و پاکت‌های پرسشنامه همراه با ارائه توضیحات لازم در قالب بسته‌هایی به آنان داده شد و نیز زمانی برای پس گرفتن پرسشنامه‌های پاسخ‌یافته، تعیین شد (حدوداً یک هفته تا ده روز بعد از آن). پرسشنامه‌ها در زمان مقرر جمع شد و برای مدارسی که پرسشنامه‌های آن در وهله اول آماده جمع‌آوری نبود، مجدداً موعدی تعیین گردید. در نهایت تعداد ۴۶۲ پرسشنامه پاسخ‌یافته برگشت داده شد که تجزیه و تحلیل بر روی آنها صورت گرفت. برای تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش از آمار توصیفی شامل جدولها، نمودارها و آمار استنباطی (آزمونهای آماری کای اسکوار، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون^۱ و آزمون مقایسه میانگین‌ها) استفاده شده است.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های توصیفی، بیشترین درصد مربوط به دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی در منطقه سه بوده است؛ همچنین بیشترین درصد مادران مورد پژوهش، سی تا چهل ساله بوده‌اند و تحصیلات آنان در سطح متوسطه بوده است یا آنکه دیپلم و خانه‌دار بوده‌اند. بیشتر مادران در درس با فرزندان خود همکاری کرده و فاصله سنی اغلب آنان با همسرشان بین پنج تا نه سال بوده است. بیشترین درصد سطح تحصیلات پدر دانش‌آموزان در حد ابتدایی و بیشترین درصد شغل آنان کارمند بوده است و بیشتر آنها در درس با فرزندانشان همکاری نمی‌کرده‌اند. بیشترین درصد خانواده‌های دانش‌آموزان دارای دو فرزند با حقوق ماهیانه بیش از صدوپنجاه هزار تومان داشته و صاحب منزل شخصی بوده‌اند. اتاق بیشترین درصد دانش‌آموزان از اتاق پدر و مادرشان جدا بوده است و

^۱ - regression

معدل آنان بین نمره هفده تا نوزده و کمترین درصد معدل از نمره سیزده تا پانزده بوده است.

در مورد هدف اصلی پژوهش یعنی «تعیین ارتباط بین رضایت از زندگی زناشویی زنان با موفقیت‌های آموزشی فرزندان آنها در شهر تهران» یافته‌ها نشان داد که بیشترین درصد معدل خیلی ضعیف دانش‌آموزان مربوط به مادرانی با نمره‌های متوسط رضایت از زندگی (۱۲۵-۱۰۰) است و بیشترین درصد معدل خیلی خوب دانش‌آموزان مربوط به مادرانی با نمره‌های رضایت بسیار از زندگی (۱۲۵ و بیشتر) بوده است. برای بررسی بیشتر از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتیجه آزمون نشان داد که بین نمره‌های رضایت از زندگی زناشویی مادر و معدل دانش‌آموز ارتباط مستقیم وجود دارد؛ یعنی به هر اندازه که مادران از زندگی زناشویی خود بیشتر احساس رضایت داشته باشند، وضعیت تحصیلی فرزند آنان بهتر می‌شود. خانواده به عنوان اولین کانونی که فرد در آن زندگی اجتماعی را تجربه می‌کند، دارای اهمیت شایان توجه است. افزون بر این اولین تأثیرات محیطی بر فرد از جانب محیط خانواده است و حتی تأثیرپذیری فرد از سایر محیط‌ها نیز معمولاً از شرایط خانواده نشئت می‌گیرد. خانواده پایه‌گذار بخشی مهم از سرنوشت انسان است و در تعیین سبک و خط‌مشی زندگی، اخلاق، سلامت و عملکرد فرد در آینده نقشی بزرگ بر عهده دارد (خادم، ۱۳۸۴). بی‌شک خانواده مهم‌ترین سازمانی است که بسترساز رشد و رفاه جسمی، روانی و اجتماعی کودک و عامل رسیدن وی به تعادل فیزیکی، روانی و اجتماعی است (موسوی، ۱۳۸۲ به نقل از وود). رضایت از زندگی زناشویی والدین و به‌ویژه مادر بر فضای عاطفی خانواده تأثیر مستقیم دارد؛ بنا بر این جریان موفقیت فرزندان نیز به‌شدت تحت تأثیر این عامل قرار می‌گیرد.

در مورد هدف ویژه اول پژوهش یعنی «تعیین میزان رضایت از زندگی زناشویی مادران دانش‌آموزان شهر تهران» یافته‌ها بیانگر این نکته است که رضایت بسیاری از مادران از زندگی زناشویی خود اندک است و فقط معدودی از آنان در رضایت زیاد از زندگی زناشویی نمره مطلوب دریافت کرده‌اند. این یافته هشدار جدی برای مسئولین و برنامه‌ریزان بهداشت روانی در خانواده است؛ زیرا آنگاه که مادران از زندگی زناشویی خود رضایت نداشته باشند و بالطبع بهداشت روانی‌شان در معرض خطر باشد، نخواهند توانست خانواده‌ای سالم با محیط روانی شاد و خلاق برای دیگر اعضا ایجاد کنند. مسلماً در خانواده‌های ناراضی، شرایط برای شکوفایی و خلاقیت اعضا فراهم نمی‌شود و پس از والدین، فرزندان قربانی چنین فضای سرد و نامناسبی خواهند بود.

در مورد هدف ویژه دوم پژوهش یعنی تعیین وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان شهر تهران، یافته‌ها بیانگر آن بود که در مجموع، اکثریت نسبی دانش‌آموزان تمام مقاطع (۳۸٪) دارای معدل خوب (پانزده تا هفده) هستند و فقط ۸٪ آنها در وضعیت خیلی ضعیف (کمتر از سیزده) قرار دارند.

در مورد هدف ویژه سوم پژوهش یعنی «تعیین ارتباط بین برخی متغیرهای دموگرافیک و رضایت از زندگی زناشویی زنان» استفاده از آزمون کای اسکوار نشان داد که بین متغیرهایی نظیر منطقه مدارس دانش‌آموزان، مقطع تحصیلی، جنسیت دانش‌آموزان مدارس، سن مادران و میزان تحصیلات و شغل آنان، مدت زمان ازدواج و فاصله سنی والدین از هم، تعداد فرزندان، شغل شوهر، وضعیت منزل مسکونی و برخوردار بودن فرزندان از اتاق اختصاصی، حضور بستگان دیگر در منزل، سابقه تجدیدی دانش‌آموزان، همکاری مادر در درس فرزند و رضایت زنان از زندگی زناشویی ارتباط معنادار آماری وجود نداشته است؛ ولی بین متغیرهایی نظیر تحصیلات پدر، همکاری همسر در درس فرزند و درآمد ماهیانه

خانواده و رضایت زنان از زندگی زناشویی ارتباط معنادار آماری وجود داشت. یکی از عوامل بسیار مهم و اساسی در تعیین وضعیت رضایت از زندگی زناشویی، درک متقابل همسران است. این درک متقابل با ارتقاء آموزش و تحصیلات افزایش می‌یابد و چون مردان در ایجاد درک متقابل سهمی به‌سزا دارند، میزان تحصیلات آنان نیز در ایجاد این درک بسیار مهم است. تحصیلات و تجربیات اجتماعی می‌تواند آگاهی افراد را در مورد مسائل مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و تأمین نیازهای عاطفی و جنسی بالا برده، بر رضایتمندی زناشویی تأثیر داشته باشد. یافته‌های پژوهش موسوی (۱۳۷۴) نیز بیانگر این نکته بود که پزشکان بیش از گروه‌های کارگر و کارمند از زندگی زناشویی خود رضایت داشته‌اند که یکی از علل آن ممکن است مسائل اقتصادی باشد و علل دیگر به وضعیت شغلی و تحصیلی جامعه مورد پژوهش ارتباط داشته باشد. بسیاری از مشکلات زناشویی در مسائل اقتصادی ریشه دارند و در صورت برطرف شدن مشکلات اقتصادی، اختلافات خانوادگی و نارضایتی زوجین نیز تا حدود بسیار رفع می‌شود.

گروهی بر این اعتقادند که از یک سو تلاش برای کسب معاش، خستگی و فشار ناشی از کار و در عین حال نگرانی از تربیت فرزندان و از سوی دیگر استقلال بیشتر زن و مرد از نظر مالی، فاصله گرفتن آنان از هم به علت اندک بودن مدت با هم بودن و افزایش توقعات از یکدیگر و جایگزین کردن مسائل مادی به جای مسائل معنوی باعث کاهش رضایت از زندگی زناشویی در افراد دارای درآمد بیشتر می‌شود (ادهمی، ۱۳۷۰، ص ۳۰۲ و ۴۰۵)؛ اما عده‌ای دیگر معتقدند که رضایت از زندگی زناشویی با درآمد خانواده نسبت مستقیم دارد و درآمد اندک یکی از عوامل مهم بروز مسئله طلاق و از هم پاشیدن خانواده‌هاست (سیمون

فن، ۲۰۰۱). از سوی دیگر مرقاتی (۱۳۷۶) در بررسی خود به نتایج جالبی در این زمینه دست یافت. یافته‌های او نشان داد که ۴۸٪ از افراد کم‌درآمد و ۵۸٪ از افراد پردرآمد از زندگی زناشویی خود راضی بوده‌اند؛ حال آنکه این میزان در افراد دارای درآمد متوسط ۷۱٪ گزارش شده است. در هر صورت باید اذعان داشت که درآمد اندک و ناامنی شغلی معمولاً رضایتمندی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هنگامی که زوجین به‌ناچار دائماً نگران درآمد و دیگر امور مالی باشند، نمی‌توان توقع داشت که میزان رضایت آنها از زندگی زناشویی بالا باشد.

در مورد هدف چهارم پژوهش یعنی «تعیین ارتباط برخی متغیرهای دموگرافیک با معدل دانش‌آموزان» یافته‌ها نشان داد که بیشترین درصد معدل خیلی ضعیف به منطقه دوازده آموزش و پرورش و بیشترین درصد معدل خیلی خوب به منطقه هفت آموزش و پرورش مربوط است. برای بررسی بیشتر از آزمون کای اسکوار استفاده شد و نتیجه آزمون مشخص کرد که ارتباط معنادار آماری بین مناطق مختلف آموزش و پرورش و معدل دانش‌آموزان وجود دارد.

باید توجه داشت که منطقه دوازده آموزش و پرورش تهران در یکی از محروم‌ترین نقاط شهر قرار دارد و اغلب خانواده‌های ساکن در این منطقه از موقعیت اجتماعی و اقتصادی مطلوب برخوردار نیستند. با توجه به مواردی که پیش از این در زمینه ارتباط عوامل اقتصادی و وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان مطرح شد، دور از انتظار نیست که دانش‌آموزان یک منطقه محروم، دارای وضعیت تحصیلی نامناسب‌تر باشند. مهرمحمدی (۱۳۸۴) در این زمینه چنین نوشته است: «از عوامل مؤثر بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان می‌توان به شرایط اجتماعی،

اقتصادی، آموزشی و امکانات مطلوب تحصیلی، وضعیت فیزیکی، عاطفی و روانی فراگیران اشاره کرد.^۱ در این زمینه انجمن خانه و مدرسه آلبرتا (۲۰۰۲) نیز نوشته است: «در ارتقاء سطح تحصیلی دانش‌آموزان عوامل متعدد از جمله والدین، مدرسه، دوستان، سازمانها و جامعه نقش مستقیم دارند؛ همچنین منابع انسانی موجود در جامعه و خانواده، ارتباطات، کنترل اطلاعات، توسعه سیاسی و اقتصادی نیز بر این مسئله مؤثرند.» (ص ۵)

در بررسی ارتباط بین مقطع تحصیلی، جنسیت دانش‌آموزان مدارس، سطح تحصیلات مادر و مدت سپری‌شده از زمان ازدواج والدین، تعداد فرزندان، سن مادر، وضعیت کمک مادر و پدر به فرزندان در امور درسی و معدل دانش‌آموزان از آزمون آماری کای دو استفاده شد و نتیجه آزمون مشخص کرد که ارتباط معنادار آماری بین این متغیرها با معدل دانش‌آموزان وجود دارد؛ اما بین متغیرهای دموگرافیک دیگر معدل آنان ارتباطی یافت نشد. تأثیر آموزش و وضعیت تحصیلی مادران بر وضعیت تحصیلی فرزندان و نیز بر ارتقاء وضعیت بهداشتی کل خانواده بر کسی پوشیده نیست و در بسیاری از متون به‌وضوح به این موضوع اشاره شده است. نتایج تحقیقات میرزایی (۱۳۷۵) نشان می‌دهد که تحصیلات مادر با وضعیت تحصیلی فرزندان ارتباط مستقیم دارد. همچنین پرویزیان (۱۳۷۲) بر اساس یافته‌های بررسی خود نوشته است که نقش مادر در پیشرفت تحصیلی فرزندان بسیار زیاد بوده، از نقش پدر چشمگیرتر است. مادران تحصیل کرده معمولاً ارزش بیشتری برای موفقیت تحصیلی فرزندان خود قائلند و همچنین بیشتر می‌توانند در انتقال دانسته‌های علمی خود به آنان کمک کنند. از سوی

¹ - Alberta home and school councils association

دیگر پیگیری وضعیت درسی و تلاش برای تهیه وسایل کمک درسی نیز در آنان بیشتر است و این امر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان اثری مطلوب دارد.

جدول شماره ۱) توزیع دانش‌آموزان (بر حسب معدل تحصیلی) و مادران
(بر حسب نمره رضایت از زندگی زناشویی)

درصد	تعداد	دسته‌ها	مشخصات والدین
۸	۳۴	۱۳ و کمتر (بسیار ضعیف)	معدل دانش‌آموزان
۴/۵	۲۰	۱۳-۱۵ (ضعیف)	
۱۴	۶۱	۱۵-۱۷ (متوسط)	
۳۸	۱۷۰	۱۷-۱۹ (خوب)	
۳۵/۵	۱۵۷	۱۹-۲۰ (بسیار خوب)	
۱۰۰	۴۴۲	جمع	
۴۵/۷	۲۱۱	۱۰۰ و کمتر (رضایت کم)	نمره رضایت از زندگی زناشویی
۴۰/۵	۱۸۷	۱۰۰-۱۲۵ (رضایت متوسط)	
۱۳/۹	۶۴	۱۲۵ و بیشتر (رضایت زیاد)	
۱۰۰	۴۴۲	جمع	
۹۸/۵۷		معدل	
۲۵/۷		انحراف معیار	

جدول شماره ۲) توزیع مادران (برحسب نمره‌های رضایت از زندگی

زناشویی)

و معدل نمره‌های تحصیلی دانش‌آموزان

آزمون	جمع		۱۲۶ و بیشتر		۱۰۱-۱۲۵		کمتر از ۱۰۰		نمره رضایت از زندگی زناشویی	فراوانی معدل نمره‌ها
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
$r = .12$ $F = 13.7$ $P = .1...$	۷/۷	۳۴	۴/۹	۳	۸/۸	۱۶	۷/۵	۱۵	(بسیار ضعیف)	
	۴/۵	۲۰	۳/۳	۲	۳/۹	۷	۵/۵	۱۱	(ضعیف)	
	۱۳/۸	۶۱	۱۶/۴	۱۰	۱۵/۵	۲۸	۱۱/۵	۲۳	(متوسط)	
	۳۸/۵	۱۷۰	۲۶/۲	۱۶	۳۸	۶۹	۲/۵	۸۵	(خوب)	
	۳۵/۵	۱۵۷	۴۹/۲	۳۰	۳۳/۸	۶۱	۳۳	۶۶	(بسیار خوب)	
	۱۰۰	۴۴۲	۱۰۰	۶۱	۱۰۰	۱۸۱	۱۰۰	۲۰۰	جمع	

جدول فوق برای بررسی ارتباط رضایت از زندگی زناشویی مادران و معدل نمره‌های دانش‌آموزان در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش تشکیل شده است. در این جدول مشخص است که بیشترین درصد معدل خیلی ضعیف به نمره‌های رضایت از زندگی متوسط (۱۰۱-۱۲۵) مربوط است و بیشترین درصد معدل خیلی خوب به نمره‌های رضایت از زندگی زیاد (۱۲۶ و بیشتر) مربوط بوده است. برای بررسی بیشتر آماری، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتیجه آزمون نشان می‌دهد که بین نمره‌های رضایت مادر از زندگی زناشویی و معدل دانش‌آموز ارتباط خطی وجود دارد؛ یعنی با افزایش نمره‌های رضایت مادر از زندگی زناشویی، معدل دانش‌آموز افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۳) توزیع فراوانی و درصد بر حسب همکاری همسر در درس

فرزند و رضایت مادر دانش‌آموز از زندگی زناشویی

آزمون	جمع		خیر		بلی		رضایت از زندگی فراوانی بررسی فرزند یاری همسر در امور
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
$X^2 = 14/6$							کمتر از ۱۰۰
$df=2$	۴۵/۹	۲۱۱	۵۳/۴	۱۴۲	۳۵/۶	۶۹	۱۰۰-۱۲۵
$P=0/000$	۴۰/۲	۱۸۵	۳۵/۵	۹۴	۴۶/۹	۹۱	بیشتر از ۱۲۵
	۱۳/۹	۶۴	۱۱/۳	۳۰	۱۷/۵	۳۴	جمع
	۱۰۰	۴۶۰	۱۰۰	۲۶۶	۱۰۰	۱۹۴	

جدول فوق برای بررسی ارتباط کمک همسر به امور درسی فرزند با رضایت مادر دانش‌آموزان از زندگی زناشویی تشکیل شده است. استفاده از آزمون آماری کای اسکوار مشخص می‌کند که بین یاری همسر به امور درسی فرزند و رضایت مادر از زندگی زناشویی ارتباط معنادار آماری وجود دارد؛ یعنی با کمک همسر به فرزند در امور درسی، رضایت مادر از زندگی زناشویی بیشتر می‌شود.

جدول شماره ۴) رابطه درآمد ماهیانه خانواده و رضایت از زندگی

زناشویی مادر دانش آموزان

نتیجه آزمون	جمع		بیش از ۳۰۰۰۰۰ تومان		۱۵۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ تومان		کمتر از ۱۵۰۰۰۰ تومان		درآمد ماهیانه فراوانی رضایت از زندگی
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
$X^2 = 9/39$ $df=4$ $P=.105$	۴۴/۶	۱۲۸	۴۳/۴	۵۳	۴۶/۷	۵۷	۴۱/۹	۱۸	کمتر از ۱۰۰
	۴۲/۹	۱۲۳	۳۷/۷	۴۶	۴۴/۳	۵۴	۵۳/۵	۲۳	۱۰۰-۱۲۵
	۱۲/۵	۳۶	۱۸/۹	۲۳	۹	۱۱	۴/۷	۲	بیشتر از ۱۲۵
	۱۰۰	۲۸۷	۱۰۰	۱۲۲	۱۰۰	۱۲۲	۱۰۰	۴۳	جمع

جدول شماره ۴ برای بررسی ارتباط درآمد ماهیانه خانواده با رضایت مادر دانش آموزان از زندگی زناشویی تشکیل شده است. با استفاده از آزمون آماری کای اسکوار مشخص شد که بین درآمد ماهیانه خانواده و رضایت مادر از زندگی زناشویی ارتباط معنادار آماری وجود دارد؛ یعنی با بیشتر شدن درآمد ماهیانه، رضایت از زندگی زناشویی بیشتر می شود.

جدول شماره ۵) رابطه تحصیلات مادر و معدل نمره‌های تحصیلی

دانش‌آموزان

نتیجه آزمون	جمع		عالی		متوسطه		ابتدایی		بی‌سواد		تحصیلات مادر فراوانی معدل نمره‌ها
	در صد	تعداد	در صد	تعداد	در صد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
$\chi^2 = 3.01$ $df = 12$ $P = 0.002$	۷/۷	۳۴	۱/۳	۴	۱/۴	۱۹	۱۶/۱	۹	۲۸/۶	۲	(بسیار ضعیف)
	۴/۵	۲۰	۱/۱	۵	۱/۷	۱۲	۵/۴	۳	۰	۰	(ضعیف)
	۱/۸ ۱۳	۶۱	۱/۳ ۸	۱۰	۱/۲ ۱۵	۳۹	۱۹/۶	۱۱	۱۴/۳	۱	(متوسط)
	۱/۳ ۳۸	۱۶	۱/۹ ۳۳	۴۱	۱/۶ ۴۱	۱۰۷	۳۵/۷	۲۰	۱۴/۳	۱	(خوب)
	۱/۶ ۳۵	۱۵	۱/۴ ۵۰	۶۱	۱/۱ ۳۱	۸۰	۲۳/۲	۱۳	۴۳/۹	۳	(بسیار خوب)
	۱۰۰	۴۴ ۱	۱۰ ۰	۱۳۱	۱۰ ۰	۲۵۷	۱۰۰	۵۶	۱۰۰	۷	جمع

در جدول فوق که برای بررسی ارتباط تحصیلات مادر و معدل دانش‌آموزان ترسیم شده است، مشاهده می‌شود که بیشترین درصد معدل بسیار ضعیف به مادرانی مربوط است که بی‌سوادند و بیشترین درصد معدل بسیار خوب به مادرانی مربوط است که تحصیلات دانشگاهی دارند. برای بررسی بیشتر از آزمون کای اسکوار استفاده شد و نتیجه آزمون نشان داد که بین تحصیلات مادر و معدل دانش‌آموز ارتباط معنادار آماری وجود دارد؛ یعنی با افزایش سطح تحصیلات مادر معدل دانش‌آموز نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۶) رابطه تعداد فرزندان و معدل دانش‌آموزان

نتیجه آزمون	جمع		سه فرزند و بیشتر		دو فرزند		یک فرزند		تعداد فرزندان
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	فراوانی معدل نمره‌ها
$X^2 = 53/8$ $df=8$ $P=.$	۷/۸	۳۴	۱۳/۵	۲۰	۴/۸	۱۲	۵/۱	۲	(بسیار ضعیف)
	۴/۴	۱۹	۸/۱	۱۲	۲/۸	۷	۰	۰	(ضعیف)
	۱۳/۸	۶۰	۲۳	۳۴	۱۰	۲۵	۲/۶	۱	(متوسط)
	۳۸/۱	۱۶۶	۲/۳۷	۵۵	۳۹	۹۷	۳۵/۹	۱۴	(خوب)
	۳۶	۱۵۷	۱۸/۲	۲۷	۴۳/۸	۱۰۸	۵۶/۴	۲۲	(بسیار خوب)
	۱۰۰	۴۳۶	۱۰۰	۱۴۸	۱۰۰	۲۴۹	۱۰۰	۳۹	جمع

در جدول فوق که برای بررسی ارتباط تعداد فرزندان با معدل دانش‌آموزان ترسیم شده است، مشاهده می‌گردد که بیشترین درصد معدل بسیار ضعیف به والدینی مربوط است که تعداد فرزندان آنان سه یا بیشتر است و بیشترین درصد معدل بسیار خوب به والدینی مربوط است که فقط یک فرزند دارند. برای بررسی بیشتر از آزمون آماری کای دو استفاده شد و مشخص شد که بین تعداد فرزندان و معدل دانش‌آموزان ارتباط معنادار آماری وجود دارد؛ یعنی هرچه تعداد فرزندان کمتر باشد، معدل دانش‌آموزان بیشتر می‌شود.

جدول شماره ۷) رابطه وضعیت کمک همسر مادران به فرزندان در امور

درسی و معدل دانش‌آموزان

آزمون	جمع		خیر		بلی		کمک همسر فراوانی معدل نمره‌ها
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
$X^2 = 14/6$ $df=4$ $P=0/000$	۷/۷	۳۴	۹/۱	۲۳	۵/۸	۱۱	بسیار ضعیف
	۴/۵	۲۰	۵/۶	۱۴	۳/۲	۶	ضعیف
	۱۳/۸	۶۱	۱۴/۷	۳۷	۱۲/۶	۲۴	متوسط
	۳۸/۵	۱۷۰	۴۲/۵	۱۰۷	۳۳/۲	۶۳	خوب
	۳۵/۵	۱۵۷	۲۸/۲	۷۱	۴۵/۳	۸۶	بسیار خوب
	۱۰۰	۴۴۲	۱۰۰	۲۵۲	۱۰۰	۱۹۰	جمع

جدول فوق برای بررسی ارتباط وضعیت کمک همسر به امور درسی فرزندان با معدل دانش‌آموزان تشکیل شده است. برای بررسی بیشتر از آزمون آماری کای دو استفاده شد و نتیجه آزمون مشخص ساخت که بین یاری پدر به فرزندان در امور درسی و معدل دانش‌آموزان ارتباط معنادار آماری وجود دارد؛ یعنی اگر پدر در امور درسی به دانش‌آموز کمک کند، معدل دانش‌آموز افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

یافته‌های این پژوهش مشخص می‌کند که موفقیت آموزشی فرزندان و رضایت مادران از زندگی زناشویی تأثیر متقابل داشته‌اند؛ همچنین بیشترین درصد دانش‌آموزانی که در تحصیل موفق بودند، مادرانی راضی از زندگی زناشویی داشته‌اند و مادران ناراضی از زندگی زناشویی معمولاً کودکانی با مشکلات آموزشی (نمره‌های معدل پایین‌تر) دارند.

پژوهشگر بر اساس یافته‌های این تحقیق که با نتایج بسیاری از تحقیقات دیگر هماهنگ است، پیشنهاد می‌کند که آموزش و پرورش بر برنامه‌های آموزش خانواده تأکید بیشتر داشته، با ایجاد تنوع در محتوا و ارائهٔ خلاقانهٔ این برنامه‌ها، میزان تأثیر این برنامه‌ها را بیشتر کنند. همچنین چون بین متغیرهایی نظیر تحصیلات پدر، همکاری همسر در درس فرزند و رضایت زنان از زندگی زناشویی ارتباط معنادار آماری وجود داشته است، یافتن راهکارهایی برای تشویق مشارکت پدران در برنامه‌های آموزش خانواده و اتخاذ تدابیری برای ارزشیابی میزان تأثیرات برنامه‌های موجود نیز از راهکارهایی است که برای برنامه‌ریزی‌های آینده، بسیار مفید خواهد بود. برقراری پایگاه‌های مداوم و منظم مشاورهٔ خانواده در مدارس منتخب گام مهم دیگری در زمینهٔ پیشبرد اهداف مربوط به بهداشت روانی در خانواده‌هاست که لازم است مسئولین توجه ویژه به آن مبذول کنند. تشکیل کارگاه‌های آموزشی بهداشت روانی برای معلمان و مدیران مدارس و گنجاندن برنامه‌های آموزشی مهارت‌های زندگی در برنامهٔ درسی دانش‌آموزان (اعم از دختر و پسر) نیز از ضروریات دیگری است که برای آماده کردن نوجوانان جهت ایفای موثر نقش‌های خانوادگی‌شان در آینده و ایجاد پایه‌هایی قوی‌تر برای خانواده‌های آتی بسیار کارساز است.

از دیگر یافته‌های این مطالعه، تأثیر عوامل اقتصادی (درآمد ماهیانه خانواده) بر وضعیت رضایت از زندگی زناشویی و به تبع آن وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان بوده است. با توجه به اینکه وضعیت اقتصادی نامناسب، شرایط خانواده را هم برای والدین و هم فرزندان مشکل‌آفرین می‌کند، بر مسئولان نظام آموزش و پرورش است که به دانش‌آموزان مناطق محروم - که احتمالاً در خانواده‌هایی محروم‌تر نیز زندگی می‌کنند - بیشتر توجه داشته باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

منابع فارسی

- ادهمی، ر، (۱۳۷۰) روانشناسی رنج، انتشارات نشر، تهران.
- پرویزیان، محمدعلی، (۱۳۷۲) ارتباط مادران کارمند و غیرکارمند با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، طرح تحقیقاتی اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی.
- خادم، حسین، (۱۳۸۴) شبکه رشد شبکه ملی مدارس در ایران، مجله رشد.
- سیدنژاد، یوسف، (۱۳۸۰) «بررسی عوامل مؤثر بر آفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه بابل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- محمدمیرزایی، علیرضا، (۱۳۷۵) «مقایسه ویژگی‌های رفتاری و خانوادگی دانش‌آموزان موفق و ناموفق دوره راهنمایی تحصیلی تهران»، شورای تحقیقات وزارت آموزش و پرورش.
- محمدی نیا، محسن، (۱۳۷۷) شناخت ویژگی‌های خانوادگی دانش‌آموزان موفق و ناموفق مقطع راهنمایی تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی تهران در سال تحصیلی ۷۴-۷۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- مرقاتی، ع، (۱۳۷۶) بررسی مشخصات فردی و خانوادگی زنان شاغل راضی و ناراضی از روابط جنسی در زندگی زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- موسوی، اشرف‌السادات، (۱۳۸۲) خانواده‌درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی، تهران، انتشارات الزهراء.
- مهرمحمدی، زهرا، (۱۳۸۴) شبکه رشد شبکه ملی مدارس ایران، مجله رشد.

منابع انگلیسی

- *Strategic Business Plan* (2002) Alberta Home and School councils Association.
 - Blum, Jeffrey S. & Mehrabian Albert (1999) *Personality and temperament correlates of marital satisfaction*. Journal of personality, 67,93-125
 - Ellis, A. (1989) *Rational emotive couples therapy*. New York: Pergamon Press.
 - Emery, RE & O'Leary, KD (1982). *Children's perception of marital disorder and behavioral problems of boys and girls*. Journal of Abnormal Child Psychology. 10, 11-24
 - Simon Fan. C. (2000). *Extramarital affairs, marital Satisfaction, and divorce: evidence from Hong Kong*. Contemporary Economic Policy 22(4): 442-542.
 - Ackerman N. *A Theory of Family Systems*. (1988); M&G: pp. 83-124. New York: Guilford.
 - Blum, Jeffrey S. & Mehrabian Albert (1999). *Personality and temperament correlates of marital satisfaction*. Journal of personality, 67, pp: 93-125.
 - Ellis, A. (1989). *Rational emotive couples therapy*. New York: Pergamon Press.
 - Emery, RE & O'Leary, KD (1982). *Children's perception of marital disorder and behavioral problems of boys and girls*. Journal of Abnormal Child Psychology. 10,11-24.
 - Pollak, Robert A, (1985). ", American Economic Association, vol. 23 (2), pages 581-608, June
 - Simon Fan. C. (2000). *Extramarital affairs, marital Satisfaction, and divorce: evidence from Hong kong*. Contemporary Economic Policy 22(4): 442-542.
 - Scanzoni L.D & Scanzoni J (1988). *Men, Women and change*. Mc Graw-Hill co: New York
 - *The cost of abuse to women*.
- <http://www.rabe.org/thesis/acknow.htm>